

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱

بحران‌های سیاسی و توسعه سیاسی در ایران

مصطفی ساوه‌درودی^۱

ابراهیم خلیلی^۲

عباس ملکی^۳

چکیده

موضوع بحران و توسعه سیاسی یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه بشری است که با یکدیگر ارتباطی دوسویه دارند. نظام‌های سیاسی برای حرکت به سوی توسعه سیاسی به طور معمول با مشکلاتی روبرو می‌شوند که می‌تواند زمینه‌های داخلی یا خارجی داشته باشد. این مشکلات در حوزه داخلی ناشی از مخالفت توده مردم یا نخبگان جامعه و در حوزه خارجی دخالت مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان است. زمانی که این مشکلات عمق پیدا می‌کنند، می‌توانند به بحران تبدیل شوند. به همین دلیل، عبور از بحران‌ها یکی از مهم‌ترین مسائلی است که جامعه را به سمت توسعه سیاسی سوق می‌دهد. این مقاله در پاسخ به این سؤال که «بحران‌های سیاسی چگونه در توسعه سیاسی ایران نقش ایفا می‌کند»، از روش تحقیق توصیفی و از روش‌های میدانی و اسنادی به عنوان روش‌های گردآوری اطلاعات استفاده نموده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را استادان و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری گرایش‌های مختلف رشته علوم سیاسی دانشگاه‌های سطح شهر تهران تشکیل داده که امکان دسترسی به ۸۲ نفر از آنان در این پژوهش فراهم گردید و با توجه به محدود بودن جامعه آماری، کل این جامعه به عنوان حجم نمونه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر که مهم‌ترین بحران‌ها را در توسعه سیاسی بر اساس نظرات پای^۴ مورد بررسی قرار داده، نشان می‌دهد که بحران‌های سیاسی شامل بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ با تأثیرگذاری بر حضور توده‌ها در صحنه تحولات اجتماعی و سیاسی در روند دست‌یابی به توسعه سیاسی در ایران نقش آفرینی می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: بحران، بحران سیاسی، توسعه، توسعه سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

M-dorodi@yahoo.com
khalil.eb59@yahoo.com
farhad.m310@gmail.com
4 - pye

۱ - استادیار علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فراهی (نویسنده مسئول)
۲ - مربی علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فراهی
۳ - کارشناس ارشد اطلاعات دانشکده علوم و فنون فراهی

مقدمه

هیچ کشوری نمی‌تواند مدعی ثبات سیاسی مطلق و داشتن فضایی کامل از امنیت باشد. این مهم با وجود رشد سیاسی جوامع به دلایل مختلف از جمله؛ کمبود منابع، اقدامات قدرت حاکم، رقابت برای کسب قدرت و شرایط حاکم بر کشور در طول تاریخ زندگی انسان از فراز و نشیب‌های فراوانی برخوردار بوده و با توجه به شرایط زمانی و مکانی با شدت یا ضعف خاص، حکومت‌ها و جوامع را دستخوش تحول نموده است. مشکلاتی که توده مردم و حتی دولت با آن روبه‌رو می‌شوند، می‌تواند ناشی از بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ باشد. این که کدام یک از این بحران‌ها بر روند توسعه سیاسی تأثیر داشته با توجه به موقعیت زمانی و مکانی حکومت‌ها و شرایط خاص جامعه قابل تفسیر و ارزیابی است. گاهی بحران‌های سیاسی ناشی از یکی از موارد یاد شده و گاهی می‌تواند تلفیقی از همه آنها باشد که در این شرایط بدترین نوع بحران بر جامعه/ سازمان حاکم شده و حکومت‌ها/ دولت‌ها یا سازمان‌ها را با براندازی یا دست‌کم تغییر هیئت حاکم/ مدیران سازمانی همراه سازد.

بیان مسئله

نظام ج.ا.ا با توجه به شرایط خاص ناشی از انقلاب اسلامی، در طول ۳۵ سال گذشته با تحولات مختلف سیاسی- اجتماعی روبه‌رو بوده که بخشی از آن ناشی از عوامل داخلی و بخشی نیز ناشی از دخالت عوامل بیرونی بوده است. اگر چه تلفیق اوضاع داخلی و خارجی با دخالت مخالفان نظام ج.ا.ا نیز نباید از روند تحلیل‌های سیاسی دور بماند، با این حال مسئله این است که موضوعات و محورهای داخلی یا خارجی چگونه بر روند دستیابی به توسعه سیاسی در این ایفای نقش می‌نماید؟ هر کدام از این موارد به دلایل تأثیرگذاری در توسعه سیاسی ایران در مقاطع زمانی مختلف حرکت روبه‌جلوی توسعه سیاسی را در ایران با چالش جدی مواجه ساخته که توجه به آن می‌تواند زوایای تاریک تأثیر بر توسعه سیاسی را مشخص نماید.

اهمیت موضوع

بدون شک توسعه سیاسی یکی از محورهای اثرگذار در رشد و پویایی جوامع محسوب می‌شود. زمانی می‌توان این رشد را در مسیر بالندگی محسوب نمود که توسعه فرهنگی در این کشورها جایگاه خود را به عنوان اولین و مؤثرترین شکل توسعه نشان دهد. اصولاً بدون توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست و بدون توسعه اقتصادی نیز توسعه سیاسی به‌دست نخواهد آمد؛ بنابراین بین هر کدام از این سه مورد باید به نوعی توازن وجود داشته باشد تا توسعه در کشور پدید آید. برای مثال هند اگر چه از نظر توسعه سیاسی و اقتصادی تا حد قابل توجهی پیشرفت داشته است؛ اما از نظر فرهنگی هنوز با مشکلات

جدی روبروست. از این رو ترتیب توالی این شکل از توسعه مهم‌ترین موضوعی است که در تحلیل توسعه سیاسی می‌باید مورد توجه قرار گیرد. توسعه سیاسی می‌تواند ضمن افزایش شناخت عموم مردم از شرایط حاکم بر جامعه، تلاش‌ها را به سمت بالندگی سیاسی کشور از طریق توجه به حوزه‌های مختلف توسعه اجتماعی و اقتصادی فراهم سازد.

کشورهایی که در توسعه سیاسی دچار مشکل می‌شوند، بدون شک در نگاه به توسعه اقتصادی کم‌توجه یا دست‌کم با مشکل مواجه بوده‌اند. به همین دلیل آثار این کم‌توجهی در اشکال مختلفی مانند بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ یا تلفیقی از آنها بروز یافته و با برهم زدن نظم عمومی جامعه، امنیت آن را با مشکل روبه‌رو ساخته و حتی نظام را با چالش جدی مواجه می‌سازد. از این رو، توجه به این مهم با هدف حفظ امنیت عمومی جامعه، نظام حاکم و در سطح کلان کشور، یکی از مهم‌ترین مواردی است که در شناخت بحران سیاسی-اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی می‌تواند نقش محوری داشته باشد.

سوال تحقیق

بحران‌های سیاسی چگونه در توسعه سیاسی ایران ایفای نقش می‌نمایند؟

فرضیه تحقیق

«بحران‌های سیاسی شامل بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ با تاثیرگذاری بر حضور توده‌ها در صحنه تحولات اجتماعی و سیاسی در روند دستیابی به توسعه سیاسی در ایران نقش آفرینی می‌نمایند».

روش‌های تحقیق و گردآوری اطلاعات

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی انجام شده و به لحاظ نوع پژوهش، تحقیق نظری است. ضمناً از پرسش‌نامه و امکانات کتابخانه‌ای به عنوان روش‌های گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

با توجه به تخصصی بودن موضوع و لزوم آشنایی اعضای جامعه آماری با مباحث پیرامون پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه استادان و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری گرایش‌های مختلف رشته علوم سیاسی دانشگاه‌های شهر تهران بوده است. به علت گستردگی جامعه آماری، محدودیت دسترسی نبود آمار دقیق از تعداد آنان، با تلاش بسیار امکان دسترسی به ۸۲ نفر (۱۴ نفر از استادان، ۴۴ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۲۴ نفر از دانشجویان دکتری) فراهم گردید. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، کل این جامعه به عنوان حجم نمونه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در بررسی‌های به‌عمل آمده، به سه دسته از منابع مرتبط با این پژوهش برخورد شده است. دسته اول منابعی است که در مورد بحران‌های سیاسی بحث کرده و روند شکل‌گیری آنها را در جوامع مورد بررسی قرار داده است که مهم‌ترین آن‌ها، کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» اثر تدگار است. دسته دوم در مورد توسعه سیاسی در جوامع بحث کرده و با اشاره به روند شکل‌گیری توسعه سیاسی به ارتباط آن با سایر موارد توسعه می‌پردازد که نمونه بارز آن کتاب حسین سیف‌زاده درباره دگرگونی، نوسازی و توسعه سیاسی است. دسته سوم بیشتر به موضوعات امنیتی پرداخته و با اشاره به موارد نظری مبانی مرتبط با تهدیدات و آسیب‌ها به روند شکل‌گیری این موارد در دو حوزه داخلی و خارج می‌پردازد که کتاب «تهدیدات امنیت ملی» اثر عبدالله خانی و کتاب کالبدشناسی تهدید اثر افتخاری از آن جمله است.

چهار چوب مفهومی - نظری

بحران و توسعه سیاسی، ارتباطی دو سویه با یکدیگر دارند. (Shirastava;1988:39) بحران سیاسی می‌تواند در روند توسعه سیاسی اثرگذار باشد و توسعه سیاسی نیز می‌تواند در روند بحران سیاسی مورد توجه قرار گیرد. بحران‌های سیاسی به طور عمده، به محیط داخلی یک کشور، منطقه‌ای از کشور یا محلی از آن کشور مربوط است. رشد و توسعه فناوری اطلاعات و فناوری‌های پیشرفته و سرعت انتقال اطلاعات و افزایش آگاهی و رشد نیاز جوامع، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در روند روبه‌رشد بحران‌های سیاسی و اجتماعی است. افزایش تقاضای عموم جامعه برای زندگی بهتر، کسب قدرت، سهم‌شدن در قدرت، آزادی بیشتر که در بسیاری از موارد ناشی از مقایسه محیط زندگی خود با افراد جوامع و کشورهای دیگر صورت می‌پذیرد، مهم‌ترین دلایل بروز بحران‌های سیاسی است.

در عین حال نظرات دیگری نیز برای بیان علت بروز بحران در جوامع وجود دارد که یکی از آنها نظرات «اسپرینگز» است. او در کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی» می‌گوید: «هر جامعه‌ای که زیاد به اندیشه سیاسی می‌پردازد، معلوم است که بحران زیادی دارد. در واقع اگر مردم یک جامعه با رغبت به نظرات سیاسی توجه کنند، معنایش این است که کشور به روش نادرستی اداره میشود». (حقیقت، ۱۳۸۸: ۸۵).

بنابراین می‌توان گفت زمانی که بسترهای آسیب‌پذیری فراهم باشد. بحران‌ها روند روبه‌رشدی را طی کرده و می‌تواند به تهدید امنیتی علیه نظام حاکم تبدیل شود. از این رو حل آن با به‌کارگیری

ابزارهای مناسب، مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدام نظام‌های سیاسی است که می‌تواند بقای نظام و امنیت کشور را فراهم سازد. این مهم زمانی می‌تواند بیشترین اثر را به جای گذارد که تصمیم‌گیری‌ها برای تبدیل تهدیدات به سمت فرصت‌ها به کار گرفته شود. به هر حال در این راه گاهی برخوردهای سخت‌افزاری در حوزه بحران‌های سیاسی نیز به کار گرفته می‌شود که به طور معمول نتیجه عکس داشته است. شاید در کوتاه‌مدت این روند به خاموشی روند اعتراضات بینجامد؛ اما در درازمدت می‌تواند دوباره در همان شکل قبلی یا با شکل جدید ظاهر شود.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به تغییر سیاست‌های بین‌المللی و ایجاد تحولات عمیق در بافت سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه انجامید که مهم‌ترین آن کوتاه‌شدن دست استعمار از چپاول سرمایه‌های ملی ایران، به خطر افتادن موجودیت رژیم اشغالگر قدس و برهم خوردن توازن نظامی منطقه خاورمیانه بود. این شرایط قدرت‌های بزرگ را بر آن داشت تا بازنگری در رویکردهای راهبردی خود، نگاه ویژه‌ای به ایران و تحولات پیرامونی آن داشته باشند. به همین منظور چالش‌های فراروی نظام تازه تأسیس ج.ا.ا. به عنوان مناسب‌ترین ابزار بحرانزا مورد توجه قرار گرفت که بیشترین آن مربوط به ناامنی‌های سیاسی در داخل کشور بوده که اوج آن در دهه اول انقلاب اسلامی صورت گرفت.

ناامنی داخلی که با تهییج افکار عمومی، اجرای تبلیغات روانی و گسترش بحران‌های داخلی با حمایت از گروه‌های سیاسی وابسته از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی آغاز شد و در ادامه و به منظور تشدید مضاعف ناامنی، از طریق جنگ، امنیت ایران را هدف قرار می‌گیرد. پس از پایان جنگ، پروژه بحران‌سازی علیه ایران هم‌چنان ادامه یافت و طرح‌هایی چون مهار، نفوذ، استحاله از درون و فشار از بیرون، برگزاری انتخابات آزاد، تشدید بحران‌های اجتماعی، رویگردانی مردم از نظام و مسئولان، تهاجم فرهنگی، نقض حقوق بشر، موضوع سلاح‌های هسته‌ای و ناامنی‌های بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ یکی پس از دیگری اجرا شد. حاکم شدن این وضعیت به طور طبیعی نظام ج.ا.ا. را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخت که آثار آن بر روند توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران قابل توجه بوده است.

بحران و توسعه سیاسی

بحران پدیده‌ای است که کارآمدی یک نظام را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ به گونه‌ای که آن نظام در شرایط مفروض، با راهکارهای جاری، قادر به پاسخگویی به مسائل و مشکلات پیش‌آمده نیست و اولویت‌های سازمان یا نظام را مختل کرده و خود را در مرکز توجه نظام قرار داده و تلاش‌ها

را متوجه خود می‌نماید (کرمی، ۱۳۸۴: ۶۱). بحران به مفهوم آشفستگی (عمید، ۱۳۹۰: ۲۷۲) پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی، جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف «توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» (پای، ۱۳۸۰: ۱۳) به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران پرداختند. به همین دلیل در تحدید و تدبیر هر بحران، «گونه‌شناسی»^۱ آن شرط لازم برای تحلیل بحران‌ها است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳) و این مهم حاصل نمی‌گردد مگر در پرتو شناخت متغیرها و مقتضیات محیطی یا مناسبات بین محیطی که بسترساز ظهور و بروز نوعی خاص از بحران است.

تجربه تاریخی از بررسی علت و چگونگی شروع بحران‌ها، حاکی از آن است که بسیاری از بحران‌ها در بستر توسعه سیاسی شروعی کاملاً آرام داشته‌اند؛ اما با از دست دادن زمان و بر اثر برخوردها، واکنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های نادرست به بحرانی توفنده در سطح داخلی یا بین‌المللی تبدیل شده و امنیت ملی کشور را با خطر جدی روبه‌رو ساخته‌اند (Ezioni:1964:43).

بحران‌ها هرگز در یک قالب و یا یک شکل خاص ظهور نمی‌کنند. آنچه حکومت‌ها و تصمیم‌گیران را دچار مشکل می‌سازد. یک‌دست دیدن بحران‌هاست. بحران می‌تواند ناشی از تصمیم‌گیری‌های نادرست، حمله نظامی یک کشور خارجی به مرزهای خودی یا اقدامات براندازی با هدف سرنگونی نظام در قالب کودتا، گسترش اقدامات خرابکاری، ترور نخبگان سیاسی، شورش‌های اجتماعی و ناآرامی‌های حاصل از آن، تشدید عصبیت‌های قومی و نژادی و ... باشد که هر یک می‌تواند از عوامل بروز بحران‌های توفنده در یک کشور محسوب شود. بنابراین بحران به معنای عبور از مرحله پیچیده یک کار و یک رویداد (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۱) یا توجه فوری به منظور اخذ تصمیم فوری در زمان وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه یا اتفاقی (Mintberg, 1976:78) در بستر جامعه و از شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی به وجود می‌آید.

بسیاری از پدیده‌های اجتماعی اگر طراحی و مدیریت نشوند. می‌توانند در بستر زمان تبدیل به یک آسیب و در نهایت تهدید شده و توسعه سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند (عبداله خانی: ۱۳۸۳، ۶۷). تهدید در بستر اجتماع ظهور می‌یابد و زمان شکل‌گیری آن می‌تواند دست‌کم چند سال طول بکشد (۳ تا ۵ سال) در این صورت پدیده اجتماعی وارد فاز جدید یعنی فضای سیاسی می‌شود. در فضای جدید، پدیده اجتماعی با طی فرآیندی مشخص به دو شکل ظاهر می‌شود؛ (۱) فرایند امنیتی‌شدن: اگر پدیده متوجه امنیت عمومی جامعه شود و ابزارهای موجود توان مدیریت پدیده

1 - Typology

را نداشته باشند. در آن صورت می‌گویند تهدید به یک موضوع امنیتی تبدیل شده است. وقتی چنین حالتی رخ دهد واپایش آن سخت بوده و همه جامعه در یک تحول ناخواسته قرار می‌گیرند. ۲) فرایند غیرامنیتی‌شدن: طرفداران نظریه کپنهاک این موضوع را مطرح کردند. آنها معتقدند باید تلاش شود مسائل اجتماعی به حوزه غیرامنیتی هدایت و مدیریت شوند. برای رسیدن به این موضوع، به سه عامل توجه می‌کنند:

- توانمندی: یعنی این که بازیگر توان به کارگیری قدرت سخت و نرم را داشته باشد.
 - محیط عینی: یعنی وضعیت سایر بازیگران مشخص باشد (مخاصمه یا حمایت).
 - محیط ذهنی؛ به معنای این که از نگاه منفی (حساسیت-منفی) به موضوعات خودداری کرد.
 - توسعه سیاسی به مفهوم نهادینه‌شدن سیاست است. این توسعه زمانی به دست می‌آید که برای تنوعات و پیچیدگی‌های جدیدی که در نتیجه توسعه و نوسازی به وجود آمده‌اند، نهادهایی ساخته می‌شوند که موجب انسجام و همبستگی در درون جامعه سیاسی شوند.
- هانتینگتون مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و بر این اعتقاد است که از آنجا که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت، نظام با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی روبه‌رو خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند. توسعه سیاسی را می‌توان مفهومی اساسی دانست که به تدریج، در همه جوامع گسترش می‌یابد و می‌توان از آن با عنوان فرهنگ جهانی یاد کرد (pye, 1963:19).
- بر این اساس توسعه سیاسی به عنوان یک روش در هر جامعه‌ای وجود دارد که این مهم به طور معمول با مشخصه‌هایی همراه می‌شود که برخی از مهم‌ترین آن در محورهای زیر قابل بررسی است:

- جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت از راه انتخابات
- کوشش در جهت جلب رضایت مردم
- پاسخگو کردن قدرت سیاسی و نقدپذیری مسئولان
- برپایی حکومت قانون از طریق مجلس قانون‌گذاری
- فردیت و آزادی افراد و تکریم حقوق فرد

- وجود احزاب، آزادی مطبوعات، انتخابات

- حضور نخبگان سیاسی در صحنه تحولات کشور

بنابراین اگر قرار باشد توسعه سیاسی در جوامع مورد ارزیابی قرار گیرد، باید با توجه به محورهای مورد نظر مورد بررسی قرار داد. اگر در فرایند توسعه سیاسی مشکل حادی ایجاد شود که بر اثر آن در نظم یا نظام موجود بی ثباتی حاصل شود به گونه‌ای که ارزش‌ها و منافع حیاتی کشور با چالش جدی روبه‌رو گردد، بحران به وجود می‌آید و در نتیجه روند توسعه سیاسی به خاطر کناره‌گیری مردم از حضور در صحنه و حذف گرانیگاه اصلی قدرت حمایتی از دولت و نظام حاکم مفهومی به نام توسعه سیاسی عملاً جایگاه خود را از دست خواهد داد. با حذف توسعه سیاسی، گرایش به سمت حضور در صحنه‌های سیاسی کمتر شده و پویایی و تحرک سیاسی آحاد جامعه برای تعیین سرنوشت خود در مواردی مانند انتخابات - که مهم‌ترین تبلور مردم‌سالاری در کشور است - کم‌رنگ‌تر می‌شود. حاکم شدن این وضعیت در درازمدت می‌تواند در بصیرت سیاسی آنها نیز تأثیرگذار شده و در نهایت تشخیص راه مستقیم از غیرمستقیم سخت و دشوار گردد. در این حالت دشمن با بهره‌گیری از شیوه‌های عملیات روانی می‌تواند به آسانی نیروهای جامعه را به دلیل ضعف در بینش سیاسی به سمت خود سوق داده و آنها را به عنوان نیروهای مخالف به کار گیرد. از این‌رو به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه یکی از محورهای مهم و تأثیرگذار در اداره کشور موضوع توسعه سیاسی است، بهتر آن است که این مهم در کنار سایر موارد مانند توسعه اقتصادی مورد توجه مسئولان و تصمیم‌گیران قرار گیرد تا زمینه‌های ایجاد نابسامانی‌های سیاسی و در نهایت بحران‌های احتمالی در کشور کاهش یابد. در این مسیر، نقش دستگاه‌های اجرایی و زیربنایی کشور؛ مانند آموزش و پرورش و وزارت علوم بسیار مهم و حیاتی است.

فرایند توسعه و نقش آن در بروز بحران

هرگونه توسعه‌ای با توجه به مؤلفه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اجرا شدنی است؛ بنابراین تک بعدی نیست. در مورد مفهوم توسعه تعاریف متفاوتی ارائه شده که تغییر و رشد از جمله آنهاست. این مفهوم در طول تاریخ، دستخوش تحولات زیادی شده که با توجه به موقعیت زمانی و مکانی قابل بررسی است. توسعه گشتاوری آگاهانه و عامدانه از شکفتگی انسانی برای تحقق داوطلبانه حاکمیت خویش به یمن بهره‌گیری از نهادهای بر ساخته و مسئول به منظور تجهیز برای رقم‌زدن معنادار زندگی است (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۲). به همین دلیل نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی از آن وجود دارد که به بروز نظریه‌های سیاسی مربوط به توسعه انجامیده که به برخی از

آنها اشاره می‌شود: (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

دوئچ^۱، نظریه بسیج را ارائه داده و می‌گوید ارتباط شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، سیاسی، به توسعه سیاسی می‌انجامد.

لرنر^۲، ارجاع به جوامع غربی را تنها راه توسعه سیاسی می‌داند و مشخصه‌هایی چون سطح شهرنشینی، سواد و نشر اطلاعات را از مشخصه‌های جامعه غرب می‌داند.

شیلز^۳، معتقد است نخبگان جهان سوم چون از توده جدا هستند، شکاف عمیق در راه مشارکت سیاسی در آنها ایجاد شده است. وی پنج نوع نظام سیاسی را مطرح می‌کند: مردم‌سالاری سیاسی، حمایت‌شده، الیگارشیک تجددخواه، الیگارشیک تمامیت‌خواه، الیگارشیک سنتی.

آلموند^۴، نظریه کارکردگرایی را مطرح کرد و جامعه سیاسی را مانند مجموعه‌ای از عناصر به هم وابسته در نظر گرفت و به سه بخش تقسیم کرد. کارکرد استحاله، کارکرد تطبیق و کارکرد نظام سیاسی. وی آنها را در سه نظام بدوی، سنتی و جدید بررسی کرد. اولی را نظام سیاسی ازهم‌گسیخته، سنتی را دارای فرهنگ اطاعتی و جدید را متنوع و متکی به فرهنگ مشارکتی معرفی می‌کند.

هانتینگتون^۵، نهادینه کردن را معیار منحصر به فرد توسعه سیاسی دانسته و همه الگوهای خود را بر اساس آن تحلیل می‌کند. او با الهام از الکسی دو توکویل - که ظهور انجمن را نتیجه ضروری توسعه می‌دید - می‌گوید؛ نظام سیاسی زمانی کارآمد است که از وجه بالای نهادینگی برخوردار باشد و شرط نهادینه شدن را مستلزم رسیدن به سطح استقلال و پیوستگی از طریق سازمان‌ها می‌داند. او مدعی است جهان سوم به دور از توان انجام هم‌زمان نوسازی اقتصادی و توسعه سیاسی است و باید دومی را فدای اولی کرده و آن را به مرحله بعد موکول سازد. او می‌گوید این روند باعث خشونت و برتری منافع خصوصی به منافع همگانی می‌شود (بدیع، ۱۳۷۸: ۵۶).

از نظر پای، توسعه سیاسی نوعی التهاب اجتماعی و مقدمه‌ای برای ایجاد بحران‌های حکومتی است. توسعه سیاسی به پیدایش پنج نوع بحران هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و بحران توزیع می‌انجامد که بیشتر در جوامع «در حال گذار» ظاهر می‌شود. پای معتقد است جوامع از نظر

1 - doiech
2 - lerner
3 - shilze
4 - almond
5 - hantington

تاریخی به سه گروه «سنتی»، «در حال گذار» و «مدرن» طبقه‌بندی می‌شوند و بر اساس آن، گونه‌های اول و سوم را در گروه جوامع در حال تعادل قرار داده و آنها را نسبتاً باثبات‌تر از دیگران می‌داند و متقابلاً جامعه در حال گذار را - که به گمان آنان جهان سوم است- جامعه‌ای بی‌ثبات که ذاتاً ناقص هستند مطرح می‌نماید. لوسین پای و هم‌فکران او معتقدند مشارکت بر توزیع، مشروعیت بر نفوذ و نفوذ بر هویت تأثیرگذار خواهد بود و به همین دلیل معتقد به نوعی بررسی توالی در مورد آنها هستند اما نکته مهم این است که هر یک از بحران‌های یادشده می‌توانند از منطقه‌ای به منطقه دیگر سرایت یابند و باهم تداخل پیدا کنند. در این صورت اساس یک حکومت و نظام با خطر جدی براندازی روبه‌رو می‌شود (پای: ۱۸: ۱۳۷۸).

بحران هویت زمانی حادث می‌شود که افراد برای تبیین روابط خود با دیگران و محیط اطراف، نیازمند به یک قالب ارزشی باشند و هرگاه عناصر بنیادین این نظام ارزشی سست شود و یکپارچگی خود را از دست بدهد، هویت فرد در حالت بی‌تعادلی قرار می‌گیرد و بنای ناسازگاری را سر می‌دهد.

در بحران مشروعیت، نظام حکومتی اعتبار خود را در حوزه‌های مختلف سیاسی و اداری، از دست می‌دهد و افراد جامعه به دنبال مردم‌سالاری خارج از چرخه فعلی هستند. به همین سبب، مشروع بودن نظام حاکم زیر سؤال می‌رود و تقابل بین جامعه و حکومت روی می‌دهد.

در بحران مشارکت، ساختارهای تصمیم‌گیری و نمایندگی به طور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرند. افراد در قالب گروه‌هایی از جامعه درصدد حضور در مراکز تصمیم‌سازی حکومت خواهند بود و نظام حاکم نیز به دلایل مختلف واکنش نشان می‌دهد و از پذیرش آنها سرباز می‌زند و نهایتاً بحران حکومتی در تعامل بین آنها به وجود می‌آید.

در بحران توزیع، منابع مادر به طور برابر تقسیم نمی‌شود، انباشت سرمایه در یک محل خاص و اختصاص آن به یک موضوع و نهایتاً نظام ناعادلانه، توزیع کالا، خدمات و حتی ارزش‌ها و فرصت‌ها به واکنش می‌انجامد.

در بحران نفوذ، نداشتن واپایش و کنترل دولت بر بخش‌های تحت حاکمیت خود به ناتوانی دولت در مرتفع ساختن نیاز مردم می‌انجامد؛ تصمیم متخذه متناسب با نیاز نیست و نهایتاً روی گردانی مردم به بروز بحران خواهد انجامید. در این حالت نظام سیاسی نیز واکنش‌هایی را نشان می‌دهد. بحران‌های مورد بحث به طور عمده در قالب چهار مرحله شروع بحران، گسترش، خاتمه و آثار بعد از بحران نمود می‌یابد (برچر، ۱۳۸۲: ۵۷).

الف) مرحله شروع:

شروع بحران ریشه داخلی یا خارجی دارد، عوامل خارجی آن ناشی از روابط بین دو کشور در یک اعتراض ساده به موضوعی خاص مثلاً برخورد دو عنصر گارد مرزی، اعتراض لفظی، عملکرد نامناسب یک دیپلمات، تغییر حکومت و احساس خطر برای حکومت دیگر، احساس از دست رفتن منافع و اهداف در یک سرزمین، تقویت توان نظامی، رزمایش نظامی و ... است. در بعد داخلی از یک اعتراض ساده به عملکرد یکی از نهادهای حکومتی در پاسخ به نیاز جمعی مشخص و یا برخورد به ظاهر غیرمنطقی از دید معترضان شروع و نهایتاً به تظاهرات، اعتصاب، طغیان، شورش، راهپیمایی، قتل، ترور، خرابکاری و حتی کودتا ختم می‌شود.

ب) گسترش بحران:

وقتی تهدید ارزش‌ها با شدت ادامه یابد و محدودیت زمانی و آگاهی نداشتن وجود داشته باشد، کنش‌ها و واکنش‌های دوطرف بحران وارد مرحله جدیدی می‌شود و بحران به شکل تمام‌عیار خود را نشان می‌دهد. در واقع وقتی رویداد از حالت آرام به سمت حالت خشونت‌آمیز حرکت می‌کند، گسترش بحران نیز شروع و دوره تکامل بحران آغاز می‌شود. در این حالت دوران نهفته بحران به سر می‌آید و با توجه به اثرگذاری رویداد بر سه عامل تهدید ارزش‌ها، محدودیت زمان و غافلگیری (نداشتن آگاهی) حرکت‌ها به صورت آرام یا تند در ابعاد داخلی یا خارجی جلوه‌نمایی می‌کنند. در این شرایط هر چه اثرگذاری کمتر باشد، دوران گسترش بحران کوتاه‌تر است و سریع‌تر خاموش می‌شود و هر چه بیشتر باشد، دوران آن طولانی‌تر خواهد بود.

پ) کاهش (پایان) بحران:

بحران در آغاز دارای فشار روانی بسیار کمی است و کم‌کم شروع به رشد می‌نماید تا اینکه در مرحله‌ای به نام گسترش و در اوج خشونت، ارزش‌های حساس و حیاتی کشور را هدف قرار می‌دهد. همان‌گونه که هر آغازی پایانی دارد، بحران نیز در جایی ختم خواهد شد. دوران ختم بحران می‌تواند حاصل رضایت طرفین، سازش طرفین، ختم بحران با شکست یکی و پیروزی دیگری انجام شود. کاهش بحران همراه با پایین آمدن خصومت، تنش و انتظار آسیب است. این فرایند از نظر مفهومی طبیعی است و از نظر عینی با تلفیق مرحله آغازین و گسترش بحران به طور هم‌زمان اتفاق می‌افتد که نشانگر بروز یک بحران تمام‌عیار است. همچنین مراحل گسترش و کاهش بحران نیز ممکن است با ختم ناگهانی بحران همراه شوند، مفهوم کاهش بحران با افول ذهنیت تهدید، محدودیت زمانی و احتمال جنگ و رسیدن به حالت نبود بحران و پایین آمدن

شدت برخوردهای خصمانه مشخص می‌شود. در این زمینه کاهش بحران به منزله تغییر مرحله و ورود به دوره جدید است. در این مرحله موفقیت یا شکست با میزان داشتن رضایت یا نداشتن رضایت طرف‌های درگیر از نتیجه به عمل آمده و اندازه‌گیری می‌شود.

ت) تأثیر بعد بحران:

بسیاری از بسترهایی که در آنها بحران واقع شد، از آنجایی که به عنوان یکی از نقاط آسیب‌پذیر خود را نشان داده‌اند می‌توانند در آینده دوباره ظهور یابند و نظام را با چالش سخت‌تری روبه‌رو سازند؛ بنابراین نقش تصمیم‌گیران در چگونگی حل بحران و آثار مترتب بر آن بسیار مهم و حیاتی است و با اتخاذ راهبرد مناسب می‌توانند از پیدایی دوباره آن در ابعاد خرد و کلان جلوگیری کنند. فرایند توسعه به دلیل تلاش برای ایجاد شرایط جدید به طور معمول با مخالفت‌ها و واکنش‌هایی همراه می‌شود؛ به گونه‌ای که عده‌ای آن را بر نمی‌تابند. مخالفت این عده ممکن است از دریچه مثبت یا منفی باشد. مثبت‌باوران از سر دلسوزی روند جدید را عاملی برای شکست سازمان یا نظام یا دست‌کم باعث عقب‌روی و ایجاد شرایط مناسب برای حضور مخالفان در صحنه و ایجاد کارشکنی در روند توسعه می‌دانند. منفی‌باوران همان کسانی هستند که در ردیف مخالفان سازمان یا نظام، در صدد ایجاد مانع برای پیشرفت در مسیر توسعه و در نهایت مشکل برای تصمیم‌گیرندگان هستند تا به گونه‌ای بتوانند خود کرسی‌های قدرت را تصرف نمایند. به هر حال حاکم شدن این وضعیت در هر دو صورت فرایند توسعه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

توسعه سیاسی در ایران با شکل‌گیری انقلاب اسلامی با قبل از آن تفاوتی ماهوی پیدا کرد. حضور آحاد ملت در صحنه سیاسی کشور ضمن ارایه میزان بالایی از رشد سیاسی مردم، آنها را در گردونه مسائل سیاسی و سایر موضوعات مرتبط با آن آشنا ساخته و در مقایسه با قبل به تقویت فکری و بینش سیاسی آنها انجامید. این روند در جریان سال‌های اول انقلاب و به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی روند صعودی پیدا کرد. فرهنگ ایثار و شهادت در اوج قرار داشت. با گذشت ایام و رویکردهای تهاجم فرهنگی دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی فرهنگ وارداتی غرب نمود قابل توجهی یافت و در ادامه با رشد این تفکر، شکل حضور برخی از افراد جامعه در روند توسعه سیاسی کشور با قبل تفاوتی ماهوی پیدا کرد و این بار به جای حرکت در مسیر توسعه سیاسی به سمت مخالفت با روند حرکت‌های توسعه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رقم خورد. آثار این حرکت به سرعت در برخی محافل آموزشی کشور که از میزان آسیب‌پذیری بیشتری در مقایسه با سایر محافل برخوردار بودند، نمود یافت و منجر به بروز پیامدهایی در قالب ناآرامی‌های

سیاسی و اجتماعی در برخی نقاط کشور انجامید. با توجه به توضیحاتی که درباره بحران‌ها بیان شد، می‌توان این موارد را در ارتباط با وضعیت حاکم بر نظام ج.ا.ا در طول سه دهه گذشته در جدول زیر مشاهده نمود (منظور دولت‌های ج.ا.ا هستند نه نظام ج.ا.ا).

جدول شماره ۱: وضعیت بحران‌های مختلف کشور در طول سه دهه گذشته

(علامت + بیانگر مفهوم «فاقد مشکل» و علامت * بیانگر مفهوم «تا حدودی با مشکل» است)

زمان	مشارکت	مشروعیت	هویت	نفوذ	توزیع	ملاحظات
دهه اول	+	+	+	+	+	شرایط ناشی از جنگ
دهه دوم	+	+	+	*	*	شرایط پس از جنگ
دهه سوم	+	+	*	*	*	ظهور جنبش‌های سیاسی

برابر جدول، نظام در دهه اول با توجه شرایط حاکم بر کشور و توسعه فرهنگ انقلابی در هیچ یک از این زمینه‌ها با مشکل روبه‌رو نبود؛ اما در دهه دوم با توجه تغییر رویکرد دشمن در براندازی نظام - که در قالب هجمه فرهنگی نمود پیدا کرد - زمینه‌های ایجاد بحران‌های داخلی در دو حوزه نفوذ و توزیع ایجاد شد که مواردی مانند حوادث قزوین در سال ۱۳۷۳ و اسلام‌شهر در سال ۱۳۷۴ در همین ردیف قابل توجه است. در دهه سوم با شدت یافتن تحولات فرهنگی در قالب به‌کارگیری قدرت نرم، زمینه‌های ایجاد بحران هویت نیز فراهم شد که حوادث کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ و ادامه آن تا سال ۱۳۸۲ به منظور رسیدن به این هدف دنبال شد. این مهم با گسترش روزافزون تحولات جنبش‌های سیاسی در ایران، رشد قابل توجهی پیدا کرد^۱ و محور مطالبات با تغییر فضای گفتمانی دهه سوم و تشدید موضوعات سیاسی در دال‌هایی به نام آزادی، مردم‌سالاری مطرح شد که در ریشه‌یابی این روند، دو محور قابل توجه است:

الف) توسعه سیاسی و تأثیر آن بر جامعه مدنی ایران:

نوسازی اقتصادی و اجتماعی، شرایط مساعد داخلی و مقاومت گفتمانی و سیاسی، شرایط نامساعد داخلی، برای تکوین جامعه و تحقق جامعه مدنی به شمار می‌روند. از لحاظ جهانی گرایش به دولت رفاهی و دخالت گسترده دولت در اقتصاد می‌تواند شرایط نامساعدی برای شکوفایی جوامع مدنی فراهم آورد. اگر چه تحولات سریع فناورانه و انتقال سریع اطلاعات در سطح جهانی، زمینه‌های مساعدی را برای تکوین جامعه مدنی در کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده؛ اما

۱ - برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: ساوه‌دردی، مصطفی، (۱۳۹۰)، «مدیریت بحران‌های امنیتی»، انتشارات دانشکده فارابی.

همین روند دارای مضرات خاص خود است که باید در مورد مسائل بومی کشورها مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. تقلید از آنچه در کشورهای شمال اتفاق افتاده بدون تطبیق آن با شرایط داخلی کشور از جمله آسیب‌های توسعه سیاسی است که باید مورد توجه قرار گیرد. (Brown 1996:121)

در توسعه سیاسی مواردی مانند گفتمان حاکم بر کشور، نوع ایدئولوژی، شکل حاکمیت، نوع رهبری، شرایط جغرافیای سیاسی و جغرافیای راهبردی و منابع کشور می‌تواند مدنظر قرار گیرد. بنابراین در بحث جامع از تکوین جامعه مدنی در ایران باید میزان نوسازی اجتماعی و اقتصادی به عنوان زمینه مساعد داخلی؛ میزان مقاومت گفتمانی و سیاسی به عنوان عامل نامساعد درونی را در نظر گرفت. نوسازی اقتصادی و اجتماعی مانند نردبانی است که از طریق آن می‌توان به سمت توسعه سیاسی حرکت کرد و زمینه‌های لازم برای توسعه سیاسی را فراهم ساخت.

در دوران بعد از انقلاب، بخشی از توسعه سیاسی با به‌صحنه آمدن نظام گفتاری تازه‌ای مبنی بر احساس عمومی توأم با حس وحدت، همدلی و پرورده‌شدن میل به فداکاری و جانبازی حاصل گردید. محوریت ارزش‌های شیعی، وجه حماسی، لحن سوگوارانه، گرایش شدید به عمل و شهادت و ... از مهمترین ویژگی‌های الگوی گفتاری دوران اولیه انقلاب اسلامی به‌ویژه در دوران جنگ بود (کاشی، ۱۳۷۹: ۷۸). در دهه دوم، انقلاب شکل توسعه سیاسی با توجه به تحولات داخلی و خارجی تغییر یافت و با الگوی گفتاری جدید روشنفکران و جوانان تازه به‌صحنه آمده، طلب‌های جدیدی را مطرح کردند. در دهه سوم، گفتار جدید با الگوی مردم‌سالاری، قانون‌مداری و جامعه مدنی تلاش داشت هنجار جدیدی را تولید کند. تأکید بیش از اندازه بر روی این نوع گفتمان سیاسی و تلاش به منظور حذف گفتمان‌های پیشین به منازعه بین طرفین انجامید. در واکنش به وضعیت جدید نوعی دل‌زدگی از سیاست در بین برخی از افراد جامعه پیدا شد که مصداق آن در انتخابات شورای شهر سال ۱۳۸۱ نمود یافت که با حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات همراه شد. این روند تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ ادامه پیدا کرد تا اینکه در این سال و بعد از آن تا انتخابات سال ۱۳۸۸ حضور در صحنه سیاسی آحاد جامعه به دلیل افزایش رقابت بین احزاب سیاسی رشد یافته و در نتیجه، میزان مشارکت مردمی در حوزه سیاست در مقایسه با قبل تغییر یافت.

گفتمان سیاسی بعد از انقلاب با توجه به منطق موقعیت اجتماعی و سیاست حاکمان، گاهی قبض محور بر اساس الگوی تحدید، گاهی حفظ محور بر اساس الگوی تثبیت و گاهی بسط محور بر اساس الگوی تکثیر بود (افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۶). در ج.ا. هر سه شکل از گفتمان‌های ارائه شده در طول سه دهه بعد از انقلاب مشاهده شد؛ ضمن اینکه الگوی تلفیقی نیز با تأکید بر دو موضوع قبض محوری و حفظ محوری

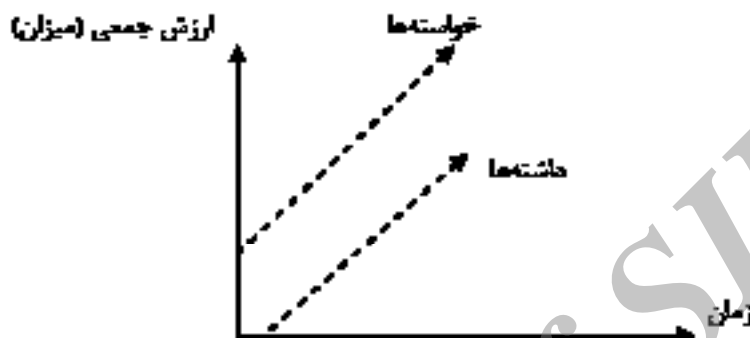
نیز در سال‌های منتهی به دهه سوم با تفاوتی مشخص با دهه اول مشاهده شد. الگوی اول و دوم و سوم به ترتیب مربوط به دوران حیات حضرت امام (ره)، ریاست جمهوری هاشمی و خاتمی بود که در دوران اول و دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و با توجه به نگرش‌ها و اعتقادات خاص وی و سیاستمداران دولت، الگوی تلفیقی دو محور اول با تأکید بر محور اول مورد توجه قرار گرفت و الگوی سوم که شاید ناشی از خستگی ملت و رویگردان شدن آن‌ها از موضوع تحزب بود تقریباً به حاشیه رفت. اما شکل گفتمان سیاسی در قالب جدید و به طور مشخص در بین عوامل دانشگاهی و برخی احزاب و گروه‌های رقیب با توجه تغییر شرایط فضای سیاسی کشور بعد از پایان ریاست جمهوری خاتمی و تجربه دوره اول ریاست جمهوری احمدی نژاد رونق گرفت که محصول آن در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به منصفه ظهور رسید. همه این تغییر و تحولات را می‌توان بر اساس نظریه منطبق موقعیت اجتماعی و شرایط خاص حاکم بر کشور از جمله ایجاد فضای باز رقابتی، افزایش گفتمان‌های سیاسی، فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای، تحولات منطقه و آثار آن بر امنیت ملی ایران، تغییر سیاستمداران و ظهور تفکرات و اندیشه‌های جدید در نخبگان سیاسی جدید، تغییر موازنه قدرت در سطح بین‌الملل ناشی از پایان جنگ سرد، ناامنی‌های منطقه‌ای، افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی و آثار آن بر داخل و ناملایمات اقتصادی و آثار آن بر اقشار مختلف جامعه به ویژه قشر ضعیف و متوسط مورد توجه قرار داد. همه این موارد به نوعی باعث چرخش الگوها و حمایت طبقات مختلف جامعه از یک جریان و حاکمیت شرایط جدید گردید.

ب) شکاف‌های اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی ایران:

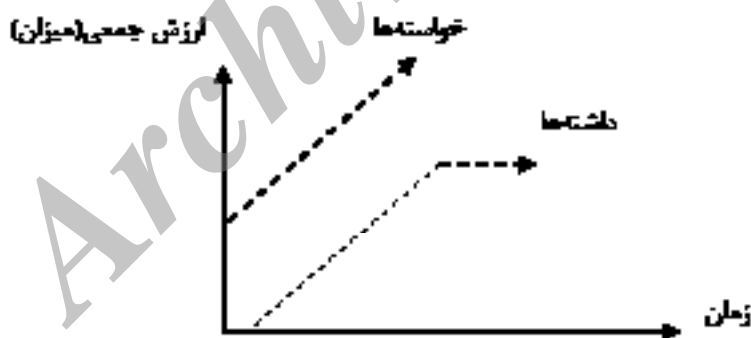
شکاف‌های اجتماعی در کشورهای مختلف متفاوت است و در هر دوره‌ای (کشاورزی، صنعتی و فراصنعتی) به شکل خاصی ظهور پیدا کرد. شکاف‌ها در مراحل توسعه اقتصادی به علت ایجاد تغییرات، نمود بیشتری دارند. شکاف‌های اجتماعی ممکن است یکدیگر را تقویت کنند یا بر روی هم انباشته شوند که آن را شکاف متراکم گویند. ممکن است یکدیگر را تضعیف کنند که آن را شکاف متقاطع گویند. وقتی شکاف‌ها متراکم باشد، جامعه دوقطبی می‌شود و توان کشمکش اجتماعی افزایش می‌یابد. وقتی یکدیگر را قطع کنند با توجه به افزایش نقاط مشترک گروه‌بندی‌های اجتماعی، زمینه منازعه کاهش می‌یابد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۵۷). شروع حرکت‌های اعتراضی که بیشتر مربوط به نارضایتی‌های اقتصادی و کشانیده شدن آن به موضوعات اجتماعی و در ادامه سیاسی است، به طور معمول در پی احساسی که مردم نسبت به موضوع یا موضوعات پیدا می‌کنند آشکار می‌شود. احساس محرومیت نسبی (اختلاف بین انتظارات و توانایی‌ها) در سه

حالت بروز و در روند توسعه سیاسی تأثیرگذار خواهد بود: (تدگار، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

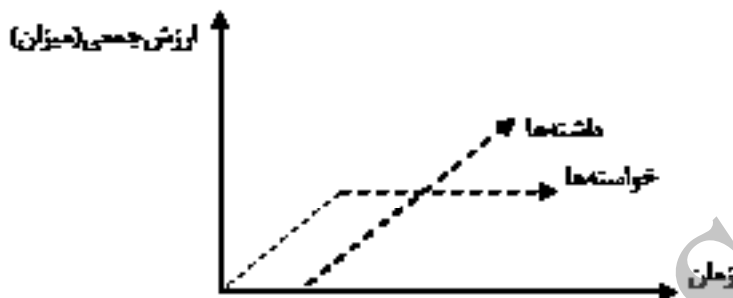
حالت اول: متناسب با زمان و ارزش‌ها اگر داشته‌ها و خواسته‌ها هماهنگ حرکت کنند، جامعه دارای ثبات بوده و روند توسعه سیاسی مورد نظر مردم و حاکمیت خواهد بود.



حالت دوم: اگر داشته‌ها در طول زمان ثابت بماند و اصطلاحاً حکومت توان پیشرفت و ایجاد تحول در جامعه را پیدا نکند و از طرفی خواسته‌های جامعه متناسب با پیشرفت زمان رشد پیدا کند جامعه دچار بی‌ثباتی شده و روند توسعه سیاسی با چالش جدی روبه‌رو می‌گردد.



حالت سوم: اگر داشته‌ها افزایش پیدا کند اما خواسته‌ها ثابت بماند، چنین جامعه‌ای دچار وقف مطلق و عقب‌ماندگی شده است. این وضعیت در حکومت‌های استبدادی وجود دارد تا این که سرانجام دوره تکوین نارضایتی طی شده و جامعه منفجر می‌شود (محرومیت ناشی از بلند پروازی). در این حالت نیز توسعه سیاسی با چالش جدی مواجه می‌گردد.



هر چه این شکافها بیشتر یا کمتر شود در فرایند توسعه سیاسی اثرگذار خواهد بود. به طور مثال افزایش نارضایتی در جامعه می‌تواند برخی افراد را نسبت به حضور در صحنه سیاسی کشور بی‌تفاوت و در عین حال برخی دیگر را به صحنه مخالفت با نظام حاکم سوق دهد. در عین حال افزایش میزان حمایت از نظام نیز همین اثر را به گونه مثبت خود را نشان می‌دهد و به حضور بیشتر حامیان نظام در فرایند توسعه سیاسی می‌انجامد.

چرایی حضور توده در صحنه تحولات اجتماعی- سیاسی کشور، با اعتقادات دینی و اسلامی آنان ربط وثیقی دارد. دین اسلام بعد از حضور در ایران، به عنوان محور اعتقادات سنتی ایرانیان در کنار اندیشه ایران شهری به عنوان عامل اساسی و تعیین کننده در بین طبقات مختلف جامعه نقش مهمی داشته است. جامعه ایرانی با اعتقاد بر این دو محور، اندیشه‌های ترقی، ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مردم‌سالاری را نیز دنبال کرد و طبقات مختلف جامعه تحت تأثیر منطبق موقعیت اجتماعی و همچنین بر اساس نیازها و خواسته‌های خود، در حمایت از این اندیشه‌ها وارد عمل شده و به گونه‌ای در تلاش برای حاکمیت اندیشه مورد نظر خود به حمایت از جریانات و احزاب سیاسی حامی این اندیشه‌ها پرداختند. نتیجه این منازعه بین تفکرات چهار جریان اصلی فکری- سیاسی در ایران، پیروزی تفکر اسلام‌گرایی بود که با تشکیل نظام ج.ا.ا به ثمر نشست. حاکمیت

ج.ا. مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی به طور طبیعی با واکنش مخالفان از جمله حامیان سه جریان دیگر همراه شد که هر کدام در مسیر دستیابی به اهداف خود به مخالفت با نظام ج.ا.ا. پرداختند که محصول این مبارزه در روند توسعه سیاسی ایران در دهه اول انقلاب با گسترش فرهنگ ناشی از جنگ با چهره مثبت و گاهی اوقات با چهره منفی ناشی از گسترش درگیری‌های سیاسی بین رقبا چهره خود را نشان داد.

در دهه دوم با گسترش تحركات جریان‌های سیاسی - فکری در بین آحاد جامعه، گرایش‌های سیاسی در قالب تأمین خواسته‌های اجتماعی تغییر جهت داده و به تحركات اجتماعی انجامید. جریان‌های سیاسی با توجه به منطق موقعیت اجتماعی با طرح مواردی مانند عدالت‌خواهی، آزادی، مردم‌سالاری، دست به تحركات سیاسی و در برخی موارد صنفی زدند. در دهه سوم با تغییر شرایط حاکم بر کشور و رشد روزافزون نیازهای اجتماعی جامعه که بیشتر تحت تأثیر تحولات جهانی رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت، شعارهای توسعه سیاسی در قالب همان خواسته‌های قبلی (آزادی، مردم‌سالاری، عدالت) شدت بیشتری پیدا کرد. در این دوران تلاش‌ها بر این قرار گرفت که به نوعی تفکر شکل‌گیری بحران در ایران مطرح و کارایی نظام در اداره امور کشور زیر سوال قرار گیرد.

Archive of SID

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

برای دستیابی به هدف تحقیق حاضر، برای هر یک بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع، ۴ سؤال به شرح جدول زیر تدوین گردید:

جدول شماره ۲: سؤالات پرسش‌نامه

سؤالات	نوع بحران‌های موثر بر توسعه	نوع توسعه
آیا بحران سیاسی با توسعه فرهنگی رابطه دارد؟	بحران هویت	توسعه سبسی
آیا توسعه فرهنگی مهم‌ترین دغدغه جامعه است؟		
آیا توسعه سیاسی مقدم بر توسعه فرهنگی است؟		
آیا شکاف‌های اجتماعی با توسعه فرهنگی رابطه دارد؟		
آیا بحران سیاسی با توسعه سیاسی رابطه دارد؟	بحران مشروعیت	
آیا توسعه سیاسی مهم‌ترین دغدغه جامعه است؟		
آیا بحران‌های تواننده تغییر حکومت‌ها بینجامد؟		
آیا توسعه سیاسی بر روند شکل‌گیری جامعه مدنی تأثیر گذار است؟		
آیا بحران سیاسی با توسعه اقتصادی رابطه دارد؟	بحران توزیع	
آیا توسعه اقتصادی مهم‌ترین دغدغه جامعه است؟		
آیا توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است؟		
آیا شکاف‌های اجتماعی با توسعه اقتصادی رابطه دارد؟		
آیا حل بحران سیاسی مستلزم مدیریت مناسب است؟	بحران نفوذ	
آیا حل بحران سیاسی مستلزم کارآمدی نظام است؟		
آیا بحران سیاسی با بحران اجتماعی تفاوت دارد؟		
آیا تشدید گفتمان سیاسی در کشور به بروز بحران می‌انجامد؟		
آیا حل بحران سیاسی مستلزم توجه به نیاز جامعه است؟	بحران مشارکت	
آیا حل بحران سیاسی مستلزم شناخت از محیط است؟		
آیا شکاف‌های اجتماعی می‌تواند به بروز بحران بینجامد؟		
آیا شکاف‌های اجتماعی با توسعه سیاسی رابطه دارد؟		

پس از آن پرسش‌نامه‌ای شامل ۲۰ سؤال بسته با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تهیه شده است. از میان ۸۲ برگ پرسشنامه جمع‌آوری شده، ۱۶۴۰ پاسخ به دست آمده است. هیچ یک از دانشجویان به گزینه خیلی کم رأی نداده و تعداد گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، متوسط و کم به ترتیب ۷۲۹،

۷۴۸، ۱۵۰ و ۱۳ پاسخ بوده است. به لحاظ ارزشی برای تحلیل آماری نیز، گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، متوسط و خیلی کم به ترتیب ۵، ۴، ۳ و ۲ در نظر گرفته شده‌اند.

جدول شماره ۳: مشخصه‌های آماری

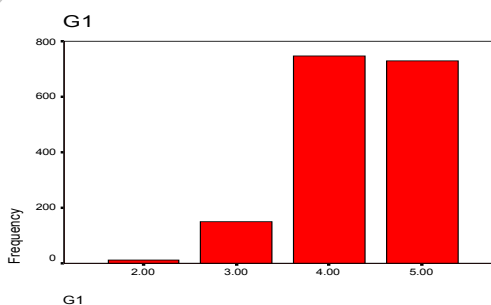
N	Valid	1640
	Missing	0
	Mean	4.3372
	Std. Error of Mean	.01664
	Median	4.0000
	Std. Deviation	.67399
	Variance	.45426
	Skewness	-.680
	Std. Error of Skewness	.060
	Kurtosis	.015
	Std. Error of Kurtosis	.121
	Range	3.00
	Minimum	2.00
	Maximum	5.00
	Sum	7113.00

جدول ۱-۱ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف استاندارد توزیع به ترتیب ۴/۳۳ و ۴ است. توزیع دارای کجی منفی بوده و در نقطه اوج خود نیز اندکی نسبت به توزیع نرمال دارای برآمدگی است. کمینه و بیشینه نمرات نیز بین ۲ و ۵ در نوسان است.

جدول شماره ۴: جدول توزیع فراوانی

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	2.00	.8	.8	.8
	3.00	9.1	9.1	9.9
	4.00	748	45.6	55.5
	5.00	729	44.5	100.0
Total	1640	100.0	100.0	

نمودار شماره ۱: نمودار ستونی توزیع فراوانی



جدول شماره ۵: آزمون آماری خی دو

	Observed N	Expected N	Residual
2.00	13	410.0	-397.0
3.00	150	410.0	-260.0
4.00	748	410.0	338.0
5.00	729	410.0	319.0
Total	1640		

G1	
Chi-Square(a)	1076.132
df	3
Asymp. Sig.	.000

نگاهی به اطلاعات نمودار شماره ۱ و جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ارزش خی دوی مشاهده شده (۱۰۷۶/۱۳) در درجه آزادی ۳ معنی‌دار است؛ به عبارتی دیگر تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده، معنادار است.

تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد از استادان و دانشجویان رشته علوم سیاسی نقش بحران‌های سیاسی را بر توسعه سیاسی مؤثر برشمرده و این امر به منزله تأیید فرضیه پژوهشی تحقیق حاضر است. ضمناً نتایج حاصله از پرسش‌نامه ارائه شده نشان می‌دهد که به ترتیب بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع بیشترین تأثیر را بر توسعه سیاسی دارند.

نتیجه‌گیری

حرکت توده به سمت توسعه سیاسی به طور معمول در جوامع در حال‌گذار به لحاظ تحولات اجتماعی و سیاسی و انطباق نداشتن با دیدگاه‌های حکومتی بیشتر از جوامع توسعه یافته نمود دارد. مبتنی بر فرضیه این مقاله ربط بین بحران و توسعه سیاسی در بحران‌های پنجگانه لوسین پای در پی تحولات سیاسی و اجتماعی حادث شده و اعتراضات اجتماعی و سیاسی به عنوان یک عامل مهم در روند توسعه سیاسی نمود داشته است. بر این اساس اعتراضات به عنوان هسته اولیه روند حرکت به سمت توسعه سیاسی به بروز بحران انجامیده و نقطه‌ای محوری در افزایش یا کاهش توسعه سیاسی قلمداد می‌شود. در واقع شروع بسیاری از حرکت‌های بحران‌خیز در جوامع، محصول تحولات اعتراض‌آمیز اجتماعی-سیاسی است که استمرار آن مسیر جامعه را دست‌خوش

تحول نموده و در برخی موارد آن را به سمت تحرک اجتماعی و در ادامه سیاسی می‌نماید. توسعه سیاسی نیز با توسعه اقتصادی ربط وثیقی دارد و با توجه به اینکه نیاز اولیه انسان از طریق تأمین نیازهای اولیه در حوزه، اقتصاد تأمین می‌گردد شرط ورود انسان به حوزه سیاست و دفاع از نظام حاکم در تأمین نیازهای اقتصادی جامعه است. اگر چه این موضوع به طور مطلق پذیرفتنی نیست و سایر موارد مانند دیدگاه‌های مذهبی و اعتقادی نیز در آن دخیل بوده و باید مورد توجه قرار گیرد، با این حال به نظر می‌رسد حل مشکلات اقتصادی جامعه لازمه ورود به توسعه سیاسی و حمایت مردمی از نظام حاکم بر هر کشوری است. به همین دلیل ریشه بحران‌های پنج‌گانه مستقیم یا غیرمستقیم به ضعف اقتصادی حکومت‌ها نیز مربوط می‌شود. در بحران هویت، مقایسه تطبیقی نقش مهمی در تغییر نگرش‌ها دارد. در این حالت فرد با مقایسه خود و محیطی که در آن قرار گرفته با دیگری، تلاش می‌کند، مانند آنها روند زندگی خود را تغییر داده و به این ترتیب گذشته خود را فراموش کند و نظام حاکم را عامل ایجاد این وضعیت دانسته و روند جدایی از جامعه و سرزمین خود را در پیش بگیرد و به این ترتیب مشارکت سیاسی در سرنوشت خود را بی‌تأثیر تلقی می‌نماید. در عین حال احساس می‌کند در استفاده از فرصت‌ها این فضا برای او فراهم نشده و به موضوع مشروعیت حکومت به دیده تردید می‌نگرد. گسترش این نوع تفکر به ضعف حکومت در نفوذ بین مردم و جامعه شهروندی انجامیده و در نتیجه فرایند توسعه سیاسی با حاکم شدن این وضعیت دچار مشکل شده و نظام را با چالش جدی در مسیر توسعه سیاسی همراه می‌سازد که بیشتر آنها در قالب نارضایتی مردم و تبدیل آن به اعتراض همراه می‌شود.

این اعتراضات در صورت واپایش (کنترل) نشدن، می‌تواند به شورش یا بحران تبدیل شده و در پی آن حقوق و امنیت شهروندان را خدشه‌دار سازد. تدبیر منطقی در شناخت این توانش‌ها می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه سیاسی و افزایش آگاهی شهروندان در برابر توطئه‌های دشمنان و مخالفان حکومت‌ها مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفته و از طریق برنامه‌ریزی مناسب مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به طور مثال در میان دانشجویان مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی با درجاتی از احساس و هیجان همراه است و معمولاً بر محور آن ادامه پیدا می‌کند. اصولاً این‌گونه موضوعات اگر تحت واپایش و نظارت قرار نگیرد، شاکله اصلی تفکر دانشجویی را به سوی محوری سوق می‌دهد که مورد نظر و خواست مخالفان حکومت‌ها است. در مجموع توسعه سیاسی را باید از دو مقوله اعتراض و آشوب جدا دانست و با هر یک به نوع

خاص خود برخورد کرد. نگرش واحد به این موضوع می‌تواند عامل بروز بحران گردد که در مقایسه با بحران اول فراگیرتر است و ضربه‌پذیری نظام را بیشتر می‌کند. رسیدن به وضعیت پیشرفته و توسعه یافته در حوزه داخلی با شاخصه‌های سه‌گانه یا مثلث مشترک تقویت مساوات، بهبود کارایی‌های سیاسی و تأثیرگذاری ساختاری بدون تنش و گسیختگی بحران‌خیز، میسر نیست و توسعه و پیشرفت، مشروط به گذر موفقیت‌آمیز از این بحران‌هاست. در حوزه خارجی نیز دخالت کشورهای توسعه‌طلب با توجیه مواردی مانند حقوق بشر و مقابله با تروریسم امکان‌پذیر است. به هر حال مقتدرترین و پرحامی‌ترین نظام‌های سیاسی در صورت نادیده گرفتن فرایند آموزش سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی با گذشت زمان و روی کار آمدن نسل جدید به دلیل تنوع شدید و نبود همسانی تقاضاها با چالش و بحران روبه‌رو خواهند شد. آن چه که امروزه درباره جوامع دارای دغدغه توسعه سیاسی قابل تأمل است گذر از بحران‌های پیش رو برای دستیابی به آن است. گذر از بحران‌هایی که به‌ویژه در کشورهای جهان سوم به دلیل فشارهای نظام بین‌الملل مشکل‌تر به نظر می‌رسد و در صورت بروز همزمان بحران‌های توسعه، حل آنها بسیار طاقت‌فرسا خواهد بود. گذر سریع و آسان تنها در صورتی ممکن است که کشورهای در حال توسعه، به حل متوالی بحران‌های مختلف موفق گردند.

Archive

منبع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «چهره متغیر امنیت داخلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۰.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) *کالبد شکافی تهدید*، تهران، نشر دانشگاه امام حسین (ع).
۳. امیرکبیری، علیرضا (۱۳۷۶)، «مدیریت بحران»، *نشریه تدبیر*، شماره ۷۸، تهران.
۴. بدیع، برتر (۱۳۷۸) *نظریه‌های سیاسی*، مترجم احمد نقیب زاده، تهران نشر قومس.
۵. برچر، مایکل و جاناتان ویلکنفلد (۱۳۸۷)، *بحران، تعارض و بی‌ثبات*، تهران، نشر سمت.
۶. برچر، مایکل (۱۳۸۲) *بحران در سیاست جهان*، مترجم حیدرعلی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران نشر قومس.
۸. پای، دبلیو، لوسین، و دیگران (۱۳۸۰)، *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، مترجم غلامرضا خواجه‌سروی، تهران، نشر مطالعات راهبردی.
۹. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، *مدیریت بحران*، تهران، نشر گفتمان.
۱۰. تدگار، رابرت (۱۳۸۱)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۸)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم، نشر دانشگاه مفید.
۱۲. ساوه‌دودی، مصطفی (۱۳۹۰)، *راهبردهای سازمانی و مدیریت بحران‌های*، تهران، نشر دانشکده فارابی.
۱۳. ساوه‌دودی، مصطفی (۱۳۹۰)، *مدیریت بحران‌های امنیتی*، تهران، نشر دانشکده فارابی.
۱۴. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۸)، *نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی*، تهران، نشر قومس.
۱۵. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت*، جلد اول، تهران، نشر مؤسسه ابرار معاصر ایران.
۱۶. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، *تهدیدات امنیت ملی*، تهران، نشر مؤسسه ابرار معاصر ایران.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۹۰)، *فرهنگ عمید*، تهران، نشر امیرکبیر.
۱۸. کاشی، غلامرضا (۱۳۷۹)، *تحول و نظم دموکراسی در ایران*، تهران، نشر نی.
۱۹. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نشر سمت.
20. E.MintZberg. *The Structure Of Unstructured Decision Processes* Administratire Science Quarterly. 1976.

21. Ezioni A: *Modern Organization* Engleweed, Cliffs, N.: Prentice-Hall 1964.
22. *Journal Of Conflict Reso Lurion* , 1988, 32.
23. Micheal. Brown , *The International Dimensions Of Internal Conflict*, CambridgeT Massachusetts & London, The Mitpress 1996
24. pye, Luchan , *political Culture political development* ,Princeton : Princeton university press
25. Shirastava. Paul, Mitroff “understanding industrial crisis” *Journal Of management stadies*. Juley 1988.

Archive of SID